چهارشنبه ۵ دی ۱۴۰۳
شماره ۴۳۱۳
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

با تأکید سران قوا و مصوبهٔ شورای‌عالی فضای مجازی طرح رفع فیلتر تدریجی تصویب شد
پیش از این نامه‌ای بدون نام توسط تعدادی از نمایندگان مجلس در مخالفت با این تصمیم منتشر شده بود

تصمیم اجماعی

در دنیایی که مرزهای دیجیتال به سرعت محو می‌شوند و کاربران اینترنت به کاوش در گستره‌ای بی‌پایان از اطلاعات مشغولند، سیاست‌های فیلترینگ همچون دیواری بلند بر سر راه آزادی اطلاعات قد علم کرده‌اند. این دیوار که با هدف حفاظت از ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی بنا شده، اکنون خود به چالشی بزرگ برای حکمرانی و جامعه تبدیل شده است. اما آیا این دیوار توانسته است از ارزش‌هایی که برای حفاظت از آن ساخته شده، دفاع کند یا شاید تنها راه‌های مخفی و پیچیده‌تری برای عبور از آن ابداع شده است؟ سیاست فیلترینگ از همان ابتدا با وعده‌ای برای ارتقای امنیت و اخلاق اجتماعی آغاز شد، اما اکنون در برابر تکنولوژی‌های پیشرفته و ابزارهای دور زدن محدودیت‌ها، به مانعی بی‌اثر تبدیل شده است. با گسترش استفاده از فیلترشکن‌ها و عادی شدن آن‌ها در میان کاربران، این سیاست به‌نوعی پارادوکس بین کاهش کنترل و افزایش نارضایتی دچار شده است.

در این میان، خبر روزگذشته مبنی بر رفع فیلتر واتساپ و گوگل‌پلی همچون نوری در انتهای تونل تاریک فیلترینگ به چشم می‌آید. این تصمیم، اگرچه گامی کوچک است، اما پتانسیل ایجاد تغییرات بزرگی در روابط میان دولت و جامعه را داراست. با این حال، زمان و نحوه اجرای آن، عامل تعیین‌کننده‌ای در موفقیت یا ناکامی این اقدام است. آیا این رفع فیلتر می‌تواند به بازسازی اعتماد عمومی کمک کند یا جامعه‌ای که به عبور از موانع عادت کرده، آن را تنها تغییری نمادین خواهد دید؟

رفع فیلتر و تغییر رویکردهای موجود می‌تواند به تقویت پایگاه اجتماعی دولت و کاهش نارضایتی عمومی کمک کند. با این حال، برای دستیابی به این اهداف، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق، شفافیت در اجرا، دوری از اقدامات شعاری و توجه به نیازهای واقعی جامعه وجود دارد.

لزوم سیاست‌گذاری در دوران پسابحران

در دوران اعتراضات اجتماعی، نقش فضای مجازی به‌عنوان ابزاری برای برقراری ارتباط، سازمان‌دهی و حتی ایجاد آشوب پررنگ بوده است. این پلتفرم‌ها گاه به ابزاری در دست کشورهای خارجی تبدیل شده‌اند تا اعتراضات را به آشوب و بی‌ثباتی تبدیل کنند. از همین رو در مقاطع بحرانی، دولت‌ها اقدام به فیلتر کردن این ابزارها کرده‌اند تا کنترل بیشتری بر اوضاع داشته باشند. اما نکته قابل‌تأمل اینجاست که با فروکش کردن بحران، سیاست مشخصی برای بازگشت به شرایط عادی وجود نداشته و تداوم فیلترینگ بدون دلایل قانع‌کننده، تنها به افزایش نارضایتی عمومی و کاهش اعتماد به سیاست‌گذاری‌ها منجر شده است. حال آنکه مدیریت فضای مجازی در دوران پسابحران نیازمند رویکردی دقیق و برنامه‌ریزی‌شده است. تصمیم‌گیری در این حوزه باید بر اساس شرایط واقعی، نیازهای جامعه و الزامات امنیتی صورت گیرد و از رویکردهای سلبی و یک‌جانبه پرهیز شود. اقدام اخیر برای رفع فیلتر واتساپ و گوگل‌پلی می‌تواند به‌عنوان گامی مثبت در راستای بازسازی اعتماد عمومی تلقی شود.

فیلترینگ دسترسی را بی‌قید و بندتر کرد

سیاست فیلترینگ در ابتدا با هدف کاهش دسترسی به محتوای نامطلوب و ارتقای امنیت اجتماعی اجرا شد، اما این سیاست‌ها نه تنها به اهداف خود دست نیافته‌اند، بلکه در بسیاری از موارد، آثار معکوسی به همراه داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این سیاست، گسترش استفاده از ابزارهای فیلترشکن بوده‌است. پس از اعمال محدودیت‌ها، استفاده از این ابزارها به‌صورت چشمگیری افزایش یافته و به یک ابزار عادی برای دسترسی به اینترنت در میان کاربران تبدیل شده است. این امر به‌نوعی نقض غرض اصلی سیاست فیلترینگ تلقی می‌شود، زیرا به‌جای محدود کردن دسترسی، تنها روش دسترسی کاربران تغییر یافته است و علاوه بر آن دسترسی به محتوای غیراخلاقی نیز راحت‌تر شده است.

این ابزارها که در ابتدا تنها توسط بخشی از کاربران حرفه‌ای استفاده می‌شد، اکنون به ابزاری فراگیر در میان عموم مردم تبدیل شده است. این تغییر رفتار کاربران، پیامدهای متعددی به همراه داشته است. از یک سو، هزینه‌های مالی بیشتری به خانوارها تحمیل شده، زیرا بسیاری از کاربران مجبور به خرید اشتراک ابزارهای فیلترشکن هستند. از سوی دیگر استفاده گسترده از این ابزارها، دسترسی غیر مستقیم به محتوایی را که در ابتدا قرار بود محدود شود، تسهیل کرده است. درنتیجه سیاست‌های فیلترینگ به اهداف خود نرسیده‌اند.

رفع فیلتر پایگاه اجتماعی دولت را تقویت می‌کند

فیلترینگ به کاهش اعتماد عمومی به سیاست‌گذاری‌های دولت منجر شده است. بسیاری از کاربران این محدودیت‌ها را به‌عنوان نقض حقوق شهروندی و دسترسی آزاد به اطلاعات تلقی می‌کنند، درنتیجه احساس نارضایتی و بی‌اعتمادی به نهادهای سیاست‌گذار افزایش یافته است. رفع محدودیت‌ها و کاهش فیلترینگ می‌تواند به‌عنوان گامی مثبت در جهت تقویت پایگاه اجتماعی دولت تلقی شود. این اقدام پیامی روشن به جامعه می‌دهد که دولت به خواسته‌ها و انتقادات مردم گوش می‌دهد و در جهت پاسخگویی به آن‌ها اقدام می‌کند. اقدام به رفع فیلتر می‌تواند فضای منفی اجتماعی ایجاد شده در پی محدودیت‌ها را تخلیه کند و زمینه‌ای برای گفت‌وگوی سازنده میان دولت و جامعه فراهم آورد. این امر به‌ویژه در شرایطی که جامعه نیازمند شنیدن اخبار مثبت و امیدوارکننده است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. با این حال برای دستیابی به این هدف، باید از تأخیر در اجرای این اقدامات پرهیز شود.

تأخیر در رفع فیلتر کارکرد آن را خنثی می‌کند

طولانی شدن زمان فیلترینگ و تأخیر در تصمیم‌گیری برای رفع محدودیت‌ها، اثرات اجتماعی مهمی به دنبال دارد. یکی از این اثرات، عادت جامعه به استفاده از ابزارهای جایگزین و کاهش تأثیر رفع فیلتر است. به بیان دیگر، در صورت رفع فیلتر پس از مدت‌زمان طولانی، جامعه ممکن است آن را به‌عنوان یک تغییر اساسی و مثبت درک نکند، زیرا قبلاً به روش‌های جایگزین عادت کرده است. این مسئله همچنین بر اعتماد عمومی تأثیر می‌گذارد. مردم انتظار دارند که سیاست‌گذاری‌های دولت انعطاف‌پذیر و متناسب با نیازهای جامعه باشد. اما طولانی شدن زمان فیلترینگ و عدم تغییر در رویکردها، ممکن است احساس بی‌تفاوتی یا حتی سرخوردگی اجتماعی را تشدید کند، درنتیجه اثرات مثبت بالقوه رفع فیلتر، به‌دلیل این تأخیرها کاهش می‌یابد.

تکنولوژی‌های جدید فیلترینگ را بلاموضوع خواهد کرد

تحولات تکنولوژیک و گسترش فناوری‌های نوین نشان می‌دهد که سیاست‌های فیلترینگ سنتی دیگر کارایی گذشته را ندارند. تکنولوژی‌های جدید به‌سرعت روش‌های دور زدن محدودیت‌ها را ارائه می‌دهند و در بسیاری از موارد، این فناوری‌ها از محدودیت‌های اعمال‌شده پیشی می‌گیرند.

در این شرایط، ادامه سیاست‌های محدودکننده می‌تواند به تضعیف حکمرانی منجر شود. به‌جای تلاش برای محدود کردن دسترسی، تمرکز بر آموزش، ترویج فرهنگ استفاده صحیح از فضای مجازی و توسعه محتواهای داخلی جذاب می‌تواند راهکاری مؤثرتر باشد. این رویکرد نه تنها به کاهش نیاز به فیلترینگ کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ای برای تقویت استقلال دیجیتال کشور فراهم می‌آورد. برای تغییر موفقیت‌آمیز سیاست‌های فیلترینگ، نیاز به برنامه‌ریزی هدفمند و جامع وجود دارد. این تغییرات باید با شفافیت کامل اجرا شده و به اطلاع عمومی برسد تا اعتماد جامعه جلب شود. علاوه بر این باید به ابعاد مالی و اقتصادی این سیاست‌ها نیز توجه شود. کاهش هزینه‌های تحمیلی بر مردم و تسهیل دسترسی به ابزارهای رسمی و قانونی، می‌تواند بخشی از این اقدامات باشد، همچنین باید به نیازهای گروه‌های مختلف جامعه توجه شود. جوانان، دانشجویان، کسب‌وکارهای آنلاین و سایر گروه‌های وابسته به اینترنت، نیازمند دسترسی آزاد و پایدار به فضای مجازی‌اند. سیاست‌گذاری‌های جدید باید به گونه‌ای طراحی شود که این نیازها را برآورده کند و هم‌زمان از منافع اجتماعی و امنیتی کشور نیز حمایت کند.

محتوای طرح سه مرحله‌ای رفع فیلتر چه می‌گوید؟

درکنار رفع فیلتر واتساپ رفع فیلتر گوگل‌پلی به‌عنوان مهم‌ترین مارکت تأمین اپلیکیشن‌های اندرویدی، یکی از گام‌های اساسی در کاهش نارضایتی عمومی و بازسازی اعتماد به سیاست‌های فضای مجازی محسوب می‌شود. این تصمیم به کاربران امکان دسترسی مستقیم به اپلیکیشن‌ها و به‌روزرسانی‌های ضروری را می‌دهد و اثرات مثبت زیادی بر فعالیت‌های روزمره و کسب‌وکارهای مبتنی بر فناوری خواهد داشت. اما این تنها آغاز راه است و برای ایجاد تحولی پایدار در مدیریت فضای مجازی، نیاز به برنامه‌ریزی جامع‌تری وجود دارد. همانطور که ستارهاشمی، وزیر ارتباط نیز در توییتی اعلام کرده است: «این اقدام گام اول رفع محدودیت از اینترنت بوده و این مسیر ادامه دارد.»

طبق اخبار غیررسمی منتشر شده در رسانه‌ها مرحله دوم شامل اقداماتی همچون ارائه یوتیوب از طریق درگاه‌های حکمرانی‌پذیر و هم زمان تقویت سکوهای داخلی با حمایت نهادهای حکمرانی و مشارکت بخش خصوصی است، همچنین تصویب لایحه اخبار جعلی با هدف کاهش انتشار اطلاعات نادرست و ساماندهی محتوای فضای مجازی، بخش دیگری از این مرحله را تشکیل می‌دهد.

در مرحله سوم، اقداماتی مطرح‌شده که به سمت کاهش وابستگی به سکوهای خارجی و افزایش کنترل داخلی بر فضای مجازی پیش می‌روند. یکی از گام‌های مهم در این مرحله، ممنوعیت استفاده رسمی دستگاه‌ها از سکوهای خارجی است. به این ترتیب، خدمات الکترونیکی دولت تنها از طریق سکوهای داخلی ارائه خواهد شد. این اقدام با هدف تقویت استقلال دیجیتال کشور طراحی شده اما موفقیت آن بستگی به توانمندی و کارآمدی این سکوها دارد. سرویس‌های جدیدی برای رفع تحریم‌ها ارائه خواهد شد که می‌توانند دسترسی کاربران به منابع بین‌المللی را تسهیل کنند. علاوه بر این ایده ساماندهی اینترنت اقشار نیز در گام سوم گنجانده شده است. طرح امنیت خانواده در فضای مجازی نیز با هدف ایجاد محیطی امن‌تر برای کاربران، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، در این مرحله تعریف شده است. از سوی دیگر مذاکره با تلگرام برای بازگشایی مشروط یا ارائه این پلتفرم از طریق سکوهای داخلی نیز از جمله اهداف مطرح شده در این مرحله است. این اقدام می‌تواند پاسخ به نیازهای کاربران برای استفاده از یک ابزار ارتباطی محبوب باشد که البته مطلوبیت آن را کاربران باید ارزیابی کنند.

درنهایت مقابله مؤثر با ابزارهای پالایش‌شکن (ضدفیلترینگ) به‌عنوان یکی از چالش‌های اصلی، در دستور کار قرار دارد که این نگرانی را ایجاد می‌کند که نکند هم‌زمان با رفع محدود فیلترها بار دیگر شاهد شدت بسته شدن دسترسی‌ها باشیم. اینکه اینستاگرام در لیست رفع تحریمی وجود ندارد، یعنی همچنان طیف زیادی از کاربران باید از فیلترشکن استفاده کنند که این بند می‌تواند آن‌ها را نسبت به کارآمدی مجموع گام‌های پیش‌بینی‌شده برای رفع فیلتر ناامید کند.

اسامی موافقان فیلترینگ را منتشر کنید

صبح روز گذشته و پیش از برگزاری جلسه شورای عالی فضای مجازی و تصمیم‌گیری درباره ادامه فیلترینگ، جمعی از نمایندگان مجلس طی نامه‌ای خطاب به این شورا خواستار ادامه وضعیت فعلی فیلتر پلتفرم‌ها شدند. گفته‌شده این نامه به امضای ۱۳۶ نفر از نمایندگان مجلس رسیده اما اسامی این نمایندگان منتشر نشده و معلوم نیست کدام‌یک از نمایندگان همچنان موافق فیلترینگ هستند. این نمایندگان- که حتی از انتشار نامشان ذیل این نامه امتناع ورزیده‌اند- احتمالاً از مخالفت فضای اجتماعی نسبت به نظر خود آگاه بوده‌اند که در حرکتی که یادآور تصویب پنهانی طرح صیانت است به مخالفت با رفع فیلتر برخاسته‌اند. خوب است هیئت‌رئیسه مجلس در راستای عمل به شعار شفافیت، اسامی این نمایندگان را منتشر کند.

کارشناسان درباره رفع فیلتر واتساپ و گوگل‌پلی به «فرهیختگان» گفتند

یک گام مثبت در حکمرانی مجازی و چند سؤال

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه نقد روز

بالاخره نتیجه جلسه شورای عالی فضای مجازی هم آمد و دیگر مشخص شد که قرار است گوگل‌پلی و واتساپ رفع فیلتر شوند. اما به نظر کارشناسان این تصمیم تا چه میزان امیدوارکننده است؟ و اشکالات تصمیم اتخاذ شده توسط شورای عالی فضای مجازی چیست؟

محمد کشوری، فعال حوزه فضای مجازی، کلیت مصوبه روزگذشته شورای عالی فضای مجازی را مثبت می‌بیند، اما معتقد است که باید منتظر تصمیم‌ها و مصوبات آتی بود. همچنین بهتر این بود که از قبل، پیش‌نویس این جلسه منتشر می‌شد تا کارشناسان حوزه بتوانند درباره مصوبات احتمالی، نظر دهند. محمدجواد نعناکار، مدیر کل اسبق حقوق سازمان فناوری اطلاعات، اما از زاویه حقوقی به ماجرا نگاه می‌کند و بر این باور است که در وهله اول می‌بایست وضعیت احکام اعضای شورای عالی فضای مجازی روشن می‌شد. نعناکار اما یک پرسش و ایراد اساسی به کلیت شورا نیز وارد می‌کند و این پرسش را مطرح می‌کند که شورایی که برای تعیین خط‌مشی فضای مجازی تشکیل شده، آیا صلاحیت تصمیم‌گیری برای پایین‌ترین سطوح اجرایی فضای مجازی را دارد؟

کشوری: مصوبه روزگذشته یک مقدمه رو به جلو بود

محمد کشوری، فعال حوزه فضای مجازی، معتقد است که کلیت تصمیم اتخاذ شده خوب است. او در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «اگر وزیر گفتند گام اول را بخواهیم بپذیریم، باید در نظر بگیریم و با ملاحظه اینکه بالاخره می‌دانیم چقدر فشار بوده و دیدیم تلاش یک سری افراد را که در رسانه‌ها، در تلویزیون و در مجلس نامه جمع کردند و... طبیعتاً به‌عنوان گام اول می‌شود پذیرفت و حکام را به جلو برد. این را و خب به نظرم مهم این است که ببینیم برنامه بعدی چیست، یعنی طرح چیست؟ چون قاعدتاً این نیست که این دو تا باز شود و تمام شود. یک طور بالاخره پس و پیشی حتماً دارند، هر مصوبه‌ای پس و پیشی دارد، تبصره‌ای دارد، جلسات بعدی دارد، حلقه‌ای دارد. به نظرم بهترین کار این است که این‌ها قبل از اینکه اصلاً بخواهد نهایی شود، منتشر شود. چه ایرادی دارد اگر نکته را باز نکنند به هر دلیلی؟ خوب توضیح بدهند، منتشر کنند. یکی را باز می‌کنند، باز به همین ترتیب. یعنی شفافیت کمک می‌کند به اینکه فرایند اتفاق بیفتد تا اینکه مثلاً بگذاریم دقیقه ۹۰ و بعد از اینکه تصویب شد، چیزی را منتشر کنیم. به نظرم برای گام بعدی خیلی نکته مهمی است که باید در نظر گرفت، ولی تا منتشر نشود که بالاخره گام پس و پیش همین مصوبه چیست، خیلی نمی‌شود گفت. ولی در مجموع می‌شود این را رو به جلو دانست.»

تصمیمات مرتبط با روزمره مردم باید شفاف شوند

«باید نتیجه نهایی را دید. کمی صبر کنیم. ولی واقعیت این است که فیلترینگ گوگل‌پلی، بسیار توجیهی نداشت. حتی بحثش این بود که در دولت قبل هم باز بشود، ولی خب متأسفانه دولت قبل نتوانست به اجماع برسد و باز کند. و واقعاً به نظر من اصلاً بدیهی بود که گوگل‌پلی با توجه به مخاطرات امنیتی شدید قطع ارتباط دستگاه‌ها که یا نمی‌شود یا خیلی سخت است یا اصلاً غلط است که بخواهیم فیلترشکن نصب کنیم. مثلاً گوشی، تلویزیون‌های هوشمند، یا یک سری دیوایس‌ها و دستگاه‌ها، این اصلاً حتی اگر خود آن فرد هم از فیلترشکن استفاده کند، بهتر است که روی آن دستگاه‌ها نصب نکند. یا مثلاً بخواهد برای آپدیت نرم‌افزاری مجبور شود از فیلترشکن استفاده کند، که کار بسیار غلطی است. در مورد واتساپ البته من به نظرم می‌آید که طبیعتاً گزینه جذابی برای باز کردن نبوده و اگر بنا بود یک پلتفرم انتخاب شود، قاعدتاً فکر می‌کنم اگر نظرسنجی هم از مردم می‌کردند، واتساپ آخرین گزینه‌ای بود که کسی به آن رأی می‌داد. هرچند واتساپ در دنیا خیلی کاربر دارد، ولی جنس کاربر ایرانی زیاد با واتساپ نزدیک نشده. به نظرم بهتر بود اگر بخواهند چیزی را باز کنند، فعلاً تلگرام باز می‌شد. ولی در هر صورت می‌گویم خیلی مهم است که ببینیم گام بعدی چیست. ولی به عنوان گام اولیه، اگر تشخیص دادند که مثلاً با واتساپ شروع کنند، ما در این حد را به نظرم خوب است که بپذیریم.»

این فعال حوزه مجازی گفت: «همچنین من معتقدم که هر تصمیم مهمی در حکمرانی گرفته می‌شود، تصمیماتی که در حوزه نظامی و امنیتی نیست و بالاخره در حوزه‌های عمومی با زندگی روزمره مردم سروکار دارد و یک اهمیت خیلی زیادی هم دارد، باید شفاف باشد. در مجلس شما می‌دانید هر چیزی بخواهد تصویب شود، نه اینکه فقط مصوبه نهایی، اساساً در قانون اساسی آمده که صورت مذاکرات مجلس پخش بشود، مگر موضوعات استثنایی باشد که خلاف امنیت ملی باشد، که آن‌ها استثناست و غیرعلنی می‌شود، تازه آن غیرعلنی هم در مورد گزارش‌هاست و الا بحث‌هایی که در مورد تصویب قانون می‌شود، باید علنی شود و قانون که غیرعلنی نیست.»

از فرایند مشاوره عمومی متخصصان در حوزه فضای مجازی باید استقبال کرد

این فعال حوزه مجازی گفت: «بالاخره اگر بپذیریم، شورا هم دارد الان یک تصمیمی می‌گیرد که در سطح کلان به منافع عمومی برمی‌گردد و بهتر است شفاف شود. ما نمی‌گوییم حتی صورت مذاکرات هم پخش بشود، ولی حداقل دستور جلسات قبلش منتشر بشود که این پیش‌نویس امری است که می‌خواهیم تصویب کنیم. حتی از کارشناسان نظر بخواهند بگویند ما این را نوشتیم. چه ایرادی دارد منتشر بشود، بقیه نظر بدهند. شاید چند تا ایراد داشته باشد. در دنیا به این فرایند می‌گویند فرایند مشاوره عمومی (Public Consultation)، که قبلش پیش‌نویس منتشر می‌کنیم تا کارشناسان نظر بدهند، چه ایرادی دارد؟ ما این کار را نمی‌کنیم و تا دقیقه ۹۰ حتی کارشناسانی که کاملاً مرتبط با آن حوزه هستند، با قید محرمانگی هم این اطلاعات در اختیارشان قرار نمی‌گیرد.»

کشوری ادامه داد: «در کشورمان اصلاً چنین چیزی منتشر نمی‌شود. در نهایت، دو ساعت قبل از جلسه شورای خبرگزاری یا یک رسانه منتشر می‌کند و می‌گویند این طرح مشخص نیست که درست است یا غلط، کدام نسخه است، نسخه جدیدی است یا قدیمی و دقیقاً معلوم نیست چه چیزی تصویب شده است. به نظرم فرایند غیرشفاف ضربه می‌زند به نظام تصمیم‌گیری ما. بهتر است که این اطلاعات از قبل منتشر شود، چون این چیزی نیست که اسرار نظامی باشد که بالاخره مصوب بشود و منتشر نشود. بنابراین، چه ایرادی دارد که از قبل منتشر بشود.»

نعناکار: مرجع محدود و مسدودسازی پلتفرم‌ها کیست؟

محمدجواد نعناکار، مدیر کل اسبق حقوق سازمان فناوری اطلاعات، در ابتدا توضیح داد که اصولاً فرایند فیلتر کردن به معنای حقوقی و قضایی، یعنی محدودسازی. اما معمولاً در جامعه از آن به عنوان محدودسازی صحبت نمی‌شود؛ بلکه به معنای مدیریت ترافیک و دسترسی به داده‌هاست. پس این دو مفهوم در واقع تفکیک دارند و با هم فرق می‌کنند.

او در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «حالا سؤال اساسی این است که مرجع تصمیم‌گیری برای محدودسازی و مسدودسازی گوگل‌پلی و واتساپ که بوده است؟ این سؤال اساسی است. دوم، آیا شورای عالی فضای مجازی به‌عنوان نهادی که متعلق به کلان حکمرانی است، نه دولت و متولی سیاست‌گذاری در موضوعاتی مانند توسعه شبکه ملی اطلاعات، دسترسی هزینه شبکه اینترنت، یا حکمرانی سایبری و مسائلی از این قبیل، می‌تواند رأی به فیلتر کردن یا عدم فیلتر به معنای محدودسازی بدهد یا خیر؟ به نظر می‌رسد مطابق احکامی که مقام معظم رهبری در خصوص تشکیل شورای عالی فضای مجازی صادر کرده‌اند، شورا نمی‌تواند نه مصوبه‌ای برای فیلتر کردن بگذراند و نه مصوبه‌ای برای باز کردن یک پلتفرم فیلترشده داشته باشد.»

رسالت اصلی شورای عالی فضای مجازی سیاست‌گذاری در حوزه سایبری است

نعناکار عنوان کرد: «دوم، وقتی تصمیمات شما در حوزه سیاست‌گذاری کلان است، آیا می‌توانید در پایین‌ترین سطح مقام تصمیم‌گیری بیایید و مثلاً بگویید که حالا یک پلتفرم باز یا بسته شود؟ این سؤال دوم است. سوم، آیا فیلتر کردن یا محدودسازی واتساپ و گوگل‌پلی که شورا تصمیم گرفته است رفع فیلتر شود، توسط همین شورا و مرجع صورت گرفته است؟ هر نهادی که تصمیم به محدودسازی می‌گیرد، باید یک سازوکار مشخصی را طی کرده باشد تا به آن تصمیم برسد. لذا باید همان فرایند تصمیم‌گیری لغو شود. مثلاً اگر یک قاضی حکم به فیلتر شدن داده، باید همان قاضی یا یک مقام بالاتر مانند تجدیدنظر، آن نظر را لغو کند. اصلاً نمی‌تواند سازوکار تصمیم‌گیری به سازمان دیگری منتقل شود.»

مدیر کل اسبق حقوق سازمان فناوری اطلاعات ادامه داد: «اگر ما قانون داریم و یک کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه داریم که رأی به فیلتر شدن واتساپ و گوگل‌پلی داده است، شورای عالی فضای مجازی که نمی‌تواند به‌جای آن تصمیم بگیرد. حالا، آیا اتفاق خاصی افتاده است که این پلتفرم‌ها فیلتر شده بودند؟ و آیا اتفاق خاصی افتاده است که الآن می‌خواهند رفع فیلتر شوند؟ این‌ها مسائل عمیق حقوقی هستند که متأسفانه شورا مسیر اشتباهی را طی می‌کند.»

نعناکار تصریح کرد: «شورای عالی فضای مجازی که باید به مسائل حکمرانی سایبری بپردازد، در پایین‌ترین سطح تصمیم‌گیری یعنی فیلتر کردن چند پلتفرم وارد شده است. امروز تصویب شد، اما اجرای آن چگونه است؟ آیا این اجرا با مرکز ملی فضای مجازی است؟ اگر جواب بله است، نقش مرکز ملی فضای مجازی در حکمرانی سایبری کشور چیست؟ تا حالا چه کرده و آیا ابزار لازم را برای ورود به این حوزه دارد یا خیر؟ این‌ها سؤالات عمیقی هستند که باید به آن‌ها پرداخته شود. من فکر می‌کنم متأسفانه وضعیت فضای سایبری کشور از سال‌ها قبل، و نه فقط در این دولت، بلکه در دولت‌های قبلی نیز همین بوده است. این نابسامانی و بی‌نظمی عمیق، باعث شده هر کسی نظری بدهد. مثلاً رئیس جمهور که مقام اول اجرایی کشور است، وعده رفع فیلتری را می‌دهد که قوه قضاییه در آن دخیل بوده است. اینجا، تفکیک قوا زیر سؤال می‌رود. این فرایند چطور طی خواهد شد؟ باید منتظر بمانیم و ببینیم که چه اتفاقی می‌افتد.»

شوراهای عالی کشور خط‌مشی تعیین می‌کنند و قانون‌گذار نیستند

نعناکار همچنین گفت: «شورا نه تنها شورای عالی فضای مجازی، بلکه هر شورای عالی که در ارکان نظام تشکیل می‌شود، یعنی عالی‌ترین مقامات و بالاترین افرادی که صاحب مقام هستند، در آنجا می‌نشینند تا تصمیم‌گیری یا تصمیم‌سازی کنند. به هر طریقی، کار این شوراها خط‌مشی دادن است. خط‌مشی دادن یعنی شما سیاست‌های کلان را تعریف می‌کنید، سپس باید آن مسئله را تبیین کرده و پس از تبیین، تصویب کنید و در نهایت ابلاغ کنید تا اجرا شود. این می‌شود فرایند تصمیم‌گیری در شوراهای عالی.»

او افزود: «شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی، شورای عالی امنیت ملی، و شورای عالی استان‌ها، همه همین ساختار را دارند. هر چیزی که «عالی» است، شوراها نمی‌توانند در مقام اجرا مصوبه بگذرانند. اصلاً این خلأ وجود دارد. با این کارهایی که اتفاق می‌افتد، شما سیستم حقوقی کشور را زیر سؤال می‌برید. سیستم حقوقی کشور به این شکل است که اگر جایی نیاز به قانون داریم، مجلس شورای اسلامی باید قانون‌گذاری کند. این جزو اصول قانون اساسی است. اگر بخواهیم سیاست‌گذاری کنیم، شوراهای عالی مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام این کار را انجام می‌دهند. حالا هر جایی که باشد یا به صلاح‌دید مقام معظم رهبری تشکیل شود، این‌ها تنها می‌توانند مسئله را تبیین کنند.»

او ادامه داد: «من درک می‌کنم که فیلترینگ بخش‌هایی از اقتصاد و فرهنگ کشور را نابود کرده و تأثیرات زیادی گذاشته است. اما این مسائل باید از جایگاه خود بررسی شوند. سؤال اساسی این است که شما بر اساس چه قانونی چنین مصوباتی می‌گذرانید؟ چه کسی چنین اختیاری به شما داده است؟ وقتی می‌خواهید شفافیت را مطرح کنید، شاید به همین معنا باشد. اگر شما رأی می‌دهید که مثلاً واتساپ رفع فیلتر شود، این شأن قانون‌گذاری را دارد. این تصمیم‌گیری شما برای رفع فیلترینگ یک پلتفرم از کجا نشئت گرفته است؟ شما در اساسنامه چنین اختیاری ندارید. مرکز ملی دارد، اما بالاخره باید یک مرجع قانونی وجود داشته باشد. اگر این مرجع وجود نداشته باشد، نمی‌شود.»